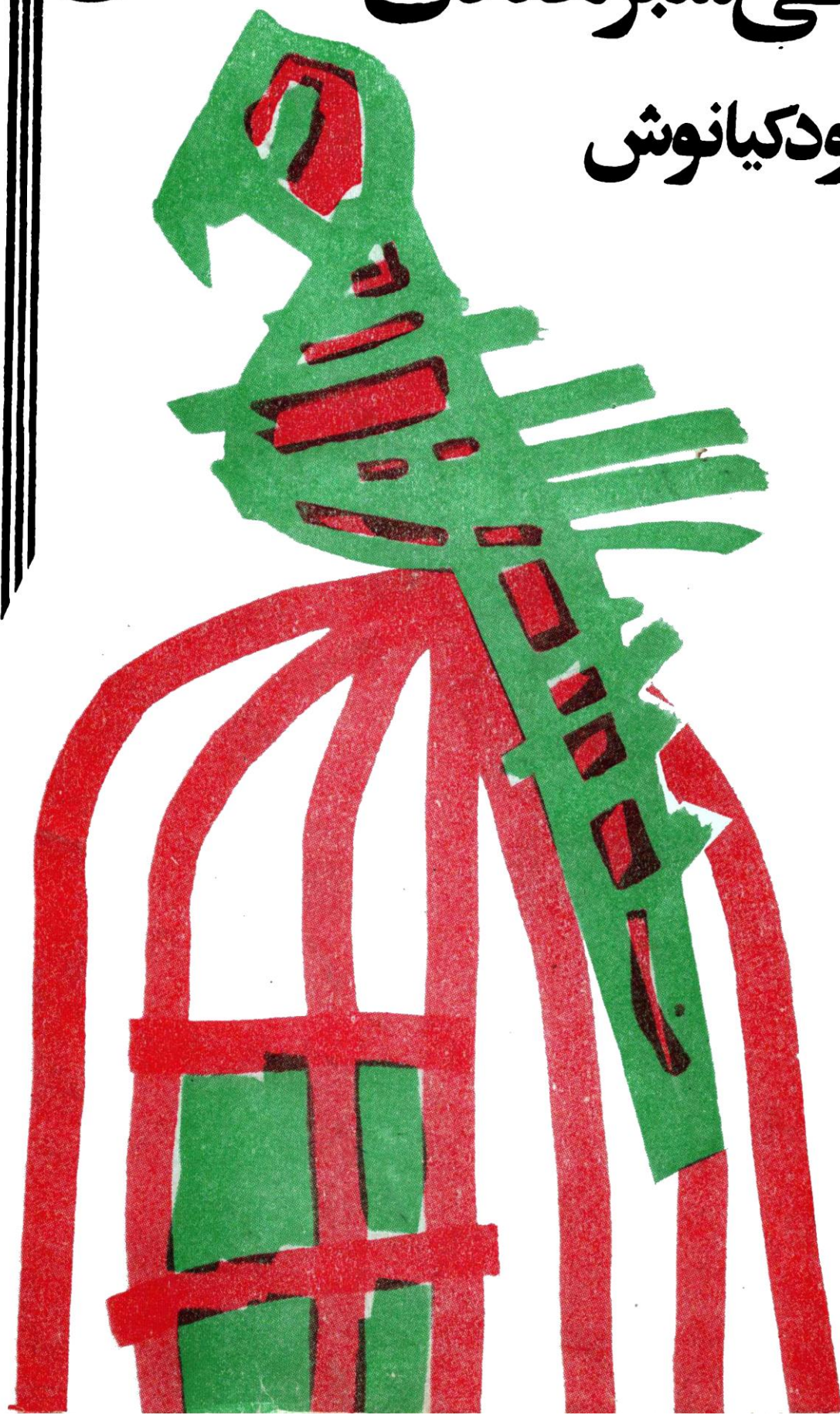


طوطی سبز هندی

محمود کیانوش



محمود کیانوش

باغ شعر کودک

طوطی سبز هندی

دفتر اول

برای کودکان ۵ تا ۷ سال



۲۹ سَر

باغ شعر کودک
طوطی سبز هندی (دفتر اول)
محمود کیانوش
انتشارات توکا
چاپ اول در ۵۵۰۰ نسخه مرداد ۲۵۳۶
چاپ کاویان

شماره ثبت کتابخانه ملی ۶۰۱
۳۶/۴/۲۵

فهرست

صفحه	عنوان
۵	دویدم و دویدم
۶	طوطی سبز هندی
۸	میو ، میو
۱۰	منظره
۱۱	کبوتر کاغذی
۱۳	پروانه کوچولو
۱۴	بره سفید
۱۵	گره شناگر
۱۷	مرغ تنبل
۱۹	پیغام گل
۲۱	من و دنیا
۲۳	فواره
۲۴	آتش گر گر کن
۲۵	خروس

صفحه	عنوان
۲۷	عیدت مبارک
۲۹	باد و چراغ
۳۱	گلبوته برهنه
۳۳	تاب می خورم
۳۵	قور ، قور
۳۶	صبح خندان
۳۸	در قفس
۴۰	بگو: ای دانه ، برخیز!
۴۲	آب از کجاست؟
۴۳	خنده گل
۴۶	$1 + 1 = 2$
۴۸	چه آبی ، چه رنگی!
۵۱	کبریت خنده
۵۲	نگاهت کجاست؟
۵۴	ا ، ب ، ج

دویدم و دویدم

دویدم و دویدم ،
توی ایوان رسیدم ؛
نگاه کردم به باغچه ،
دوتا گنجشک دیدم.

یکی ریز وُقشنگ بود ،
خیلی زبر وُ زرننگ بود ؛
یکی چاقالو وُ تنبل ،
انگار يك قلوهُ سنگ بود.

تا من صداشان کردم ،
از هم جداشان کردم ؛
با يك نفَس کشیدن
باد هواشان کردم .

طوطی سبز هندی

طوطی سبز هندی ،
از جنگلها می آیی ،
با قصه های شیرین
به شهر ما می آیی .

حتماً با این سوادت
صد تا استاد گرفتی ؛
و گرنه قصه ها را
از کجا یاد گرفتی !؟

قصه ابر و آفتاب ،
قصه باد و باران ؛
قصه جشن جنگل
در شادی بهاران .

اما الان توقفس
خُلقت گمانم تنگ است ؛
توی دلت می گویی:
دل آدمها سنگ است !

با صد ادا و اطوار ،
با يك زبان الكن ،
هرچه به تو می گویم
تو هم می گویی به من .

میو ، میو

پیشی جانم ! نبینم
ساکت نشسته‌ای باز ؛
از نگاهت می‌فهمم
که خیلی خسته‌ای باز .

همین حالا ، تو باغچه ،
بدو بدو می‌کردی ؛
می‌جستی روی دیوار ،
میو میو می‌کردی.

شاید گرسنه هستی ،
شاید لالات می‌آید ؛
هرچه که تو بخواهی
الان برات می‌آید .

این شیر و نانِ سنگک ،
بخور ، شکرِ خدا کن ؛
آنوقت بیا ، آهسته ،
رو دامنم / لالا کن .

منظره

پاشو ، پاشو ، کوچولو ،
از پنجره نگاه کن ؛
با چشمهای قشنگت
به منظره نگاه کن .

آن بالا ، بالا ، خورشید
تاییده در آسمان .
يك رشته کوه / پاینتر ،
پاینترش / درختان .

نگاه کن ، آن دورها
کبوتری می‌پُرد ؛
شاید برای بلبل
از گل / خبر می‌برد .

کبوتر کاغذی

باد بادکُز سفیدم
باد که آمد ، هوا رفت ؛
کَلّه و دُم تکان داد ،
یَواش یَواش / بالا رفت .

تو آسمانِ آبی
شد مثل یک کبوتر ؛
نَخ را گَه شُل می کردم ،
باز هم می رفت بالاتر .

کوچک شد و کوچک شد ،
شد قَدِّ یک ستاره ؛
یکدفعه باد نَخش را
کشید و کرد پاره .

انگار که يك شکارچی
تیری انداخت به بالَش ؛
کبوتر کاغذی
گیج خورد و بد شد حالش .

زد چند تایی مُعلق ،
چرخید و رفت با باد .
خدا می‌داند آخر
کجا / بیچاره / افتاد !

پروانه کوچولو

پروانه کوچولو
با بالهای خسته ،
تو باغچه ، زیر آفتاب ،
روی گلی نشسته .

پاهای نازکش را
رو گل / دراز کرده ؛
مثل کتاب رنگی
بالها را باز کرده .

صد نقش و رنگ دارد
بالهای زیبای او ؛
او به تماشای گل ،
من به تماشای او .

برۀ سفید

برۀ خوشگل سفید ،
کوچک چاق نیلی ؛
چشم سیاه لب کلفت ،
برف تن زبان گلی ؛

بع بع تو به گوش من
چهجه بلبلان باغ ؛
چشم تو ، با نگاه گرم ،
مثل شب پر از چراغ .

تو دره ها بچر ، بدو ،
بگرد و جست و خیز کن ؛
آن بدن لطیف را
تو چشمه ها تمیز کن .

گوبه شناگر

کوچک بیزبانم ،
مگر حواس نداری؟
غیر از همین که داشتی
دیگر لباس نداری!

بین چه ریختی کرده !
قبای مخملش خیس؛
کلاه و کفش و جوراب ،
تمام هیکلش خیس.

بر لب حوض کاشی
نشستی ، خواب رفتی ؛
چرتت پرید و یکهو /
با سر تو آب رفتی.

گر به که مثلِ اردک
کارش شناگری نیست؛
هر کار حسابی دارد،
این جور سرسری نیست.

حالا بلند شو، برو
دراز بکش تو آفتاب؛
یادت باشد دوباره
با سر نیفتی در آب!

مرغِ تنبل

قوقولی قو ، قوقولی قو ،
رفت وگم شد .
لولوی شب ؛
نور آمد
خنده بر لب .

قوقولی قو ، قوقولی قو ،
خانم آمد ،
ریخت دانه
با محبت
توی لانه .

قوقولی قو ، قوقولی قو ،
مرغِ تنبل !

چشم واکن؛
با دلِ خوش
قُد قُدا کن .

پیغامِ گل

گلها را من
می بینم گل ،
می گویم گل ،
می چینم گل ،
می بویم گل ،
می دانم گل ،
می خوانم گل .

اما هر يك
از این گلها
دارد نامی ،
نامی زیبا ،
با پیغامی

از رویی خوش ،
از بویی خوش .

من و دنیا^۹

با چشمم

دنیا را

می بینم ؛

اینجا را ،

آنجا را

می بینم .

با پایم

در دنیا

می گردم ؛

در اینجا ،

در آنجا

می گردم .

با دستم

دنیا را

می گیرم ؛

اینها را ،

آنها را

می گیرم .

با قلبم

دنیا را

می خواهم ؛

مامان را ،

بابا را

می خواهم .

فواره

فَش ، فَش ، فَش ،
فواره

بالا زد .

يَك خُرده

آن بالا

درجا زد .

شُر ، شُر ، شُر ،
فواره

پایین ریخت .

دامن شد ،

تابی خورد ،

چین چین ریخت.

آتشِ گر گر کن

آتش! روشن شو ،
آتش! گر گر کن!
دنیای ما را
از گرما پر کن .

آتش! روشن شو ،
شب را روشن کن .
دنیای شب را
روشن/ برمن کن .

آتش! روشن شو ،
آتش! بامن باش .
در این زمستان
هر شب روشن باش .

خروس

خروسِ نازنینم
با بالهایِ رنگین ،
با تاجِ ارغوانی ،
پیش از طلوعِ خورشید
سر می‌دهد به شادی
آوازِ آسمانی .

شبها که چشمهایش
از خواب می‌شود گرم ،
خود می‌رود به لانه ؛
تا وقتِ صبحِ دیگر
آواز او نییچَد
در گوشِ اهلِ خانه .

هر صبح می کند باز
چشمانِ کوچکش را
امیدوار و خوشحال ؛
با شوقِ روشنایی
از لانه می گریزد،
در خانه می زند بال .

می گوید : آی آدمها!
قو قولی قو ، روز آمد ،
از خوابِ خوش برخیزید !
چشمانِ خود بگشاید،
در آسمانِ روشن
خورشید را ببینید .

شیرینی صدایش
خوش می کند دلم را ،
مثل صدایِ مادر :
«فرزندِ نازنینم ،
بیدار شو که خورشید
از کوه می زند سرا!»

عیدت مبارک !

کودکِ من ، بهارِ من ،
مایهٔ افتخارِ من ،
عیدت مبارک !

کودکِ مهربانِ من ،
بلبلِ خوشزبانِ من ،
عیدت مبارک .

ای گلِ خوبرویِ من ،
طوطیِ قصه‌گویِ من ،
عیدت مبارک !

كودك من ، اميد من ،
بخت خوش سفيد من ،
عیدت مبارك !

با دو چراغ

بیا به روی دامنم
خوشگلکِ ظریفِ من ،
تا بکنم نوازشت
همدمکِ لطیفِ من .

دست کشم به پشت تو
تیز کنی دو گوش را ،
از که به ارث برده‌ای
این همه عقل و هوش را؟

شب که برایِ گردشی ،
گاه به باغ می‌روی ،
چشمِ تو بس که روشن است ،
با دو چراغ می‌روی !

هرچه کنی ، همان کنم
چون که تویی عزیز من؛
بازی و جست و خیز تو
بازی و جست و خیز من.

گلبوته برهنه

گلبوته من
گرما که کم شد ،
در بادِ پاییز ،
آهسته خم شد.

پیراهنِ سبز
از تنِ در آورد؛
سرما به او داد
پیراهنِ زرد .

پیراهنِ او
شد تکه ، تکه ؛
بر خاك افتاد
مانند سکه .

باران تنش را
تا شُست و شو داد،
برف زمستان
حوله به او داد.

تاب می خورم

روی تابِ خود سوار
مثل باد می شوم ؛
نرم نرم می روم ،
شاد شاد می شوم .

ابر نیستم ، ولی
در هوا شناورم ؛
مرغ نیستم ، ولی
مثل مرغ می پریم .

می روم عقب ، عقب ،
می روم جلو ، جلو ؛
تاب من ، بیا ، بیا ،
تاب من ، برو برو !

گاه چرخ می‌زنم ،
گاه تاب می‌خورم .
هم هوایِ پاک و هم
آفتاب می‌خورم .

قور ، قور

قورباغه ها: قور، قور ،
خورشید خسته خواب است ،
شب می رسد از دور .

قورباغه ها: قور، قور ،
گنجشکها رفته اند ،
پرمی زند شبکور .

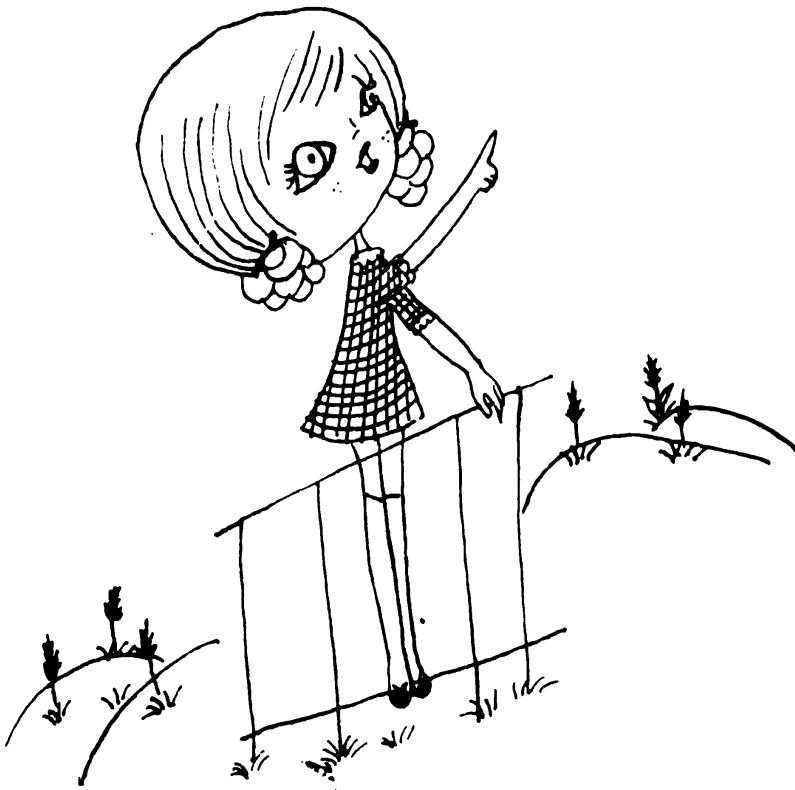
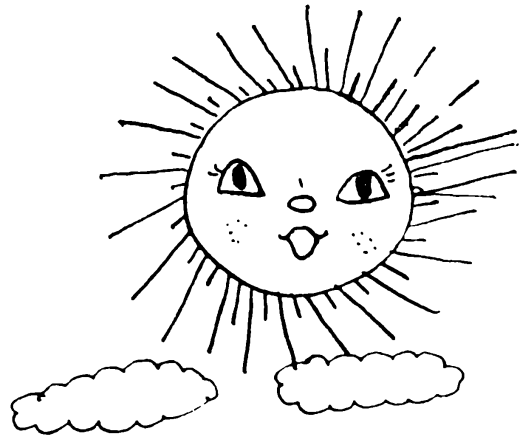
قورباغه ها: قور، قور ،
مهتاب درمی آید ،
باخته ای پرنور .

آهنگ شور و ماهور ،
در باغ سبز و آرام ،
قورباغه ها، قور، قور .

صُبحِ خندان

صبحِ خندان ،
صبحِ خندان
خورشید آورد ؛
خورشید آمد ،
خورشید آمد
امید آورد.

امید آمد ،
در دلهامان
شادی باشید ؛
تاریکی رفت ،
تاریکی رفت
آمد خورشید .



در قفس

بَلْبِلُ دَرِ قَفْسِ !
دور از باغِ گل ،
بر قلبِ كوچك
داري داغِ گل .

تنها و غمگین
می‌خوانی آواز ؛
جانَت می‌سوزد
از شوقِ پرواز .

يك فَنجَانُ آب ،
يك ظَرَفُ ارزن ،
يك دَنبَايِ تَنگ
از چوب و آهن .

می‌دانی اگر
زیبا نبودی ،
توی این قفس
تنها نبودی .

آوازت اگر
دلنشین نبود ،
حال و روز تو
دیگر این نبود .

بگو: ای دانه ، برخیز!

یکی بردار از دَه ،
بیا از کوهساران ،
چه می ماند از آن ؟ نه .
بیار، ای ابر، باران .

دو تا بردار از دَه ،
زمینِ خُشک و هوا خشک ،
چه می ماند از آن ؟ هشت .
از اینجا تا کجا خشک !

سه تا بردار از دَه ،
بیار و جَرَوِ جَر کن ؛
چه می ماند از آن ؟ هفت .
زمین را خوب تَر کن .

چهار از ده بکن کم ،
زمین بی آب مُرده‌ست ؛
چه می‌ماند از آن ؟ شش .
لبش صد قاچ خورده‌ست .

چو از ده کم کنی پنج ،
بیا برخاك، باران ؛
چه می‌ماند از آن ؟ پنج .
برو در کشتناران .

کنار هم دو تا پنج ،
بیا يك بند و يکریز ،
دوباره می‌شود ده .
بگو: ای دانه، برخیز !

آب از کجاست؟

آب از کجاست؟

باران .

باران کجاست؟

در ابر .

ابر از کجاست؟

آنجا ،

آنجا کجاست؟

دریا .

خنده گل

می خندد گل
سرخ و روشن؛
سرخ و روشن
می خندم من .

می خندم من
می خندد گل ؛
راه غم را
می بندد گل .

می گرید ابر
بر گلزاران ؛
می خندد گل
زیر باران .

تا من خوانم
آهنگِ گل
رویم گردد
همرنگِ گل .



$$۱ + ۱ = ۲$$

۱ روی شاخه
تنها نشسته ،
غمگین و خسته ،
با چشم بسته .

۱ در هوا بود ،
می کرد پرواز ،
می خواند آواز ،
باشادی و ناز .

آمد به سویش ،
با مهر خندید ،
احوال پرسید ،
بر شاخه رقصید .

حالا ۱ و ۱
دیگر ۲ هستند ،
با هم نشستند ،
غم را شکستند .

چه آبی، چه رنگی!

چه رنگی ،
چه آبی ،
چه قد و بالایی !

چه مویی ،
چه تابی ،
چه روی زیبایی !

بخند/دخترِ ناز!
که خنده‌ات قشنگ است.
بخوان برایم آواز ،
دلم دوباره/تنگ است.

چون خوب و سربه‌راهی ،
با مهر و بیگناهی ،
الهی
صدسال زنده باشی!



باغی و چشمه ساری ،
ابری و جویباری ،
بهارى ،
گلزار خنده باشى .

کبریت خنده

تو باین اَحم ابری
هوا را تار کردی ؛
به روی من دوباره
بایک کبریت خنده
چراغ چشمها را
بکن روشن دوباره .

بله ، از بس که او را
مامانش دوست دارد ،
خودش را لوس کرده .
گل رویش ، گمانم
در این صُبح بهاری
هوای بوس کرده .

نگاهت کجاست؟

نازی ، نگاهت کجاست؟
چشم سیاهت کجاست؟
به من نگاهی بکن ،
خنده ماهی بکن .

وقتی خوشی ، می خندی ،
دستهای ماه را از پشت
راستی به هم می بندی .

وقتی نگاه می کنی ،
خورشید را از خجالت
خوب رو سیاه می کنی .

هیچ می دانی که امروز

دنیای من تو هستی ؟
دیروز را کار ندارم ،
فردای من تو هستی !

ا، ب، ج

از راه آمد
آ با کُلاهش .
ب کرد قدری
ساکت/نگاهش .

آ ، دستپاچه ،
برداشت از سر
آن را و آرام
انداخت يك بر .

آهسته او کرد
بر ب سلامی
در جیب او بود
از ج پیامی .

لبخند زد ، گفت :

من آآآ یم ،

سر سر سر آب ،

پای هوایم .

از لکنتش ب

زد زیر خنده ،

یک خنده بد ،

خیلی زننده .

آ رفت و ، ب رفت

آرام در خواب .

بی آب شد آ ،

ب ماند بی آب .

باغ شعرکودک

دفتر اول

برای کودکان ۵ تا ۷ ساله

۹

۲۵ ریال